اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ »[[1]](#footnote-1)

بگو بيائيد آنچه را پروردگارتان بر شما حرام كرده است برايتان بخوانم: اينكه چيزي را شريك خدا قرار ندهيد، و به پدر و مادر نيكي كنيد، و فرزندانتان را از (ترس) فقر نكشيد، ما شما و آنها را روزي مي‏دهيم، و نزديك كارهاي زشت و قبيح نرويد چه آشكار باشد چه پنهان، و نفسي را كه خداوند محترم شمرده به قتل نرسانيد، مگر به حق (و از روي استحقاق) اين چيزي است كه خداوند شما را به آن سفارش ‍ كرده، تا درك كنيد.

آیه ی ۱۵۱ سوره ی مبارکه انعام

عرض شد که در این آیه ده عنوان از عناوین کلی و ده فرمان از فرامین الهیه در مورد احکام این عناوین مورد توجه قرار گرفته به این بیان خطاب به پیغمبر اکرم «قُلْ تَعَالَوْا»[[2]](#footnote-2) بگو بیایید برای شما بیان کنم «أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ »[[3]](#footnote-3) اون چرا که رب شما سازنده ی شما و به کمال رساننده ی شما تحریم کرده یعنی حریم معین کرده مرز معین کرده که حق تجاوز اون حد و مرز نداره اون عناوین محرم که تحریم شده اینهاست عنوان اول شرک «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا»[[4]](#footnote-4) چیزی را شریک خدا قرار ندهید در ذات در صفات در افعال موحد باشید توحید در ذات توحید در صفات توحید در افعال که این ها توضیحاتش عرض شده قبلا این عنوان اول بود «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا »[[5]](#footnote-5) دوم اینکه نسبت به والدین نه تنها اسائه ی بر آنها، بد رفتاری با آنها حرام است بلکه احسان به اونها خضوع در مقابل اونها رعایت ادب و احترام نسبت به اونها واجب است این هم عنوان دوم که باز قبلا توضیحاتش داده شده «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ»[[6]](#footnote-6) عنوان سوم این که فرزند های خود را نکشید از ترس فقر و تنگ دستی رازق شما نیستی نه تنها رازق اونها شما نیستی بلکه رازق خودتونم هم شما نیستید «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ»[[7]](#footnote-7) هم شما و اونها را رازقشون ما هستیم عرض شد که در عرب جاهلی این سنّت ضد انسانی درشان بوده که اولاد را می کشتند دختر ها را زنده به گور می کردند پسرها رو هم از ترس فقر می کشتند و افتخار به این عمل ضد انسانی می کردند و چه بسا عبادت هم می دانستند همین کار را که در جایی می فرماید «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا »[[8]](#footnote-8)

وقتی کار زشتی مرتکب می شدند و گاخی مرد و زن با بدن عریان کنار کعبه به دور کعبه طواف می کردند و می گفتند که روش اباء و اجدادی ما چنین بوده خدا ما را به این امر کرده ما عبادت با این عمل می کنیم خدا هم فرمود «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ »[[9]](#footnote-9) هرگز خدا امر به زشتی نمی کند چرا اون چرا که نمی دانید به خدا نسبت می دهید رسول اکرم وقتی که مبعوث می شود با این عمل ضد انسانی با شدت مبارزه می کند یک آیه از قران کریم کوتاه اما تکان دهنده که فطرت های خفته را بیدار می کند و عاقبت شوم را درمقابل چشم می آورد فرمود «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»[[10]](#footnote-10)

روزی را خواهد آمد که اون روز این بچه های به دست والدین کشته شده مورد سوال قرار می گیرند چه کرده بودی که باید کشته شوی چه گناهی کردی که باید بدست جنایتکار پدر به زیر خاک بروی «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»[[11]](#footnote-11) و دستوراتی که برای تجلیل و تکریم اولاد باشه مخصوصا دخترها رسول اکرم فرموده «نِعمَ الوَلَدُ البَناتُ ؛ مُلطِفاتٌ ، مُجَهِّزاتٌ ، مُؤنِساتٌ»[[12]](#footnote-12)

خوب فرزندی هست دختر مهربان هست کمک کار هست و انیس و مونس پدر و مادرند می فرمود

«عن الصادق عليه السلام :البَناتُ حَسَناتٌ و البَنُونَ نِعَمٌ، و الحَسَناتُ يُثابُ علَيها و النِّعَمُ مَسؤولٌ عَنها»[[13]](#footnote-13)

دختر حسنه است پسر نعمت است حسنه جز ثواب نتیجه ای ندارد ولی نعمت مورد پرسش قرار می گیرد اگر کسی نسبت به نعمت شاکر بود مُثاب است و اگر کفران نعمت کرده مُعاقَب است پس نعمت ممکن انسان را به جهنم بکشد که ممکن است به بهشت برساند اما حسنات فقط بهشت است و ثواب «عن الصادق ع البَناتُ حَسَناتٌ و البَنُونَ نِعَمٌ، و الحَسَناتُ يُثابُ علَيها و النِّعَمُ مَسؤولٌ عَنها»[[14]](#footnote-14)

می فرمود «مَنْ دَخَلَ اَلسُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً وَ لْيَبْدَأْ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ اَلذُّكُورِ»[[15]](#footnote-15)

اگر شما بازار رفتید سفر رفتید متاعی آوردید برای خانواده اول به دختر بدهید اول قلب او را خوشحال کنید بعد به پسر بدهید « فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ أُنْثَى فَكَأَنَّمَا عتق [أَعْتَقَ] رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ »[[16]](#footnote-16) اگر کسی دختر خود را از خود خوشحال کند مانند کسی است که برده ای از بردگان اولاد اسماعیل را آزاد کرده این ها را می فرمود تجلیل می کرد از اولاد هم‌ گفتار است هم از جهت گفتار هم از جهت رفتار عملا هم دست دختر خود را می بوسید وقتی از در وارد می شد دختر ۵ ساله ۷ ساله صدیقه ی کبری (ع) پدر از جا برمی خاست جلو می رفت دست او را می بوسید ولی شخصیت او ممتاز است حساب جدایی دارد ولی در عین حال عملا به حسب ظاهر نشون می داد که دختر نه تنها مایه ننگ‌نیست مایه عار نیست برای من که پدرم مایه سربلندی من است مایه سرافرازی من است اولاد به همین کیفیت که این بحثش خیلی مناسب نیست خواستم اشاره ای شده باشد به بحث گذشته «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ»[[17]](#footnote-17)

عنوان چهارم «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ»[[18]](#footnote-18) و هم‌چنین نسبت به گناهان زشت تارک باشید کلمه ی فواحش جمعه فاحشه است فاحشه یعنی کار زشتی که زشتی او بر همه کس روشن است و تنفر آمیزه کاری که گناهی که بسیار قبیح و زشته که قبحش برای همه کس روشن و تنفر آمیزه فاحشه گفته میشود حالا فاحشه رو ظاهراً و باطناً ترک کنید «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ»[[19]](#footnote-19) نزدیک این گناهان زشت نروید چه ظاهر چه باطن یه آیه ای هم قبلا داشتیم در همین سوره آیه ۱۲۰ اونجا هم مضمون همین بود «وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ»[[20]](#footnote-20)

یعنی گناه را هم ظاهرش را هم باطنش را ترک کنید حالا ظاهر باطن منظور چیه؟ گناه ظاهر گناه باطن اینجا هم فواحش باطن و ظاهر توجیهاتی دارند مفسرین که نقل اونها لازم نیست و اونی که بهتر به نظر‌می رسد اینکه گناه باطن چون گناه دو بعد دارد هر عملی از اعمال انسان دو بُعد دارد یک بُعد قلبی دارد یک بُعد بدنی دارد هر کاری از قلب صادر می شود مراحلی را در قلب و در جان انسان طی می کند تا در عمل به ظهور برسد می خواد نگاه کند‌ مثلا به‌یک صحنه ای اول خطور در ذهن می شود کاری در ذهن آدم خطور می کند دنبال خود میل پیدا میشه دنبال میل تصمیم دنبال تصمیم کار انجام می شه می خواد به جایی نگاه کند حالا فرزند به صورت زنی بخواد نگاه‌کند اول خطور در ذهنش میاد تصور می کند چهره ی اون زن را بعد میل به او پیدا می کند بعد تصمیم می گیره و چشم باز می کند نگاه می کند این مراحل طی میشود اون مرحله ی اول تحت اختیار ما ‌نیست خطور در اختیار ما نیست خود به خود در ذهن ما خطور می کند میل هم‌در اختیار ما نیست این طبیعیه آدم نشسته تنها هست ناگهان یه مطلبی در ذهنش خطور می کند نسبت به اون میل پیدا می کند این هردوش از اختیار ما خارجه ولو هستند کسانی که قهرمان ریاضت نفسانی اند اونها مالک واردات نفسی خود هستند قلب اونها مانند قلب بنده شهر بی در و دروازه نیست مانند چمن زار بی در و دیوار نیست اونها دور خودشان حصاری کشیده اند حصار تقوا اونها ریاضت تقوا قهرمان کشتی گیری با شیطان اند «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»[[21]](#footnote-21)

اینا کسانی هستند که شیطان بخواد دور قلبشون یه چرخی بزند و راهی پیدا کند که از اون راه داخل بشود اینا بیدارند متوجه اند می فهمند این چرخی که دارد دور ذهنشان میزند این چرخ شیطانی است که فورا در به روش می بندن او را از خود می رانند این قرآنه که نشان می دهد انسان های متقی ریاضت کشیده ی در مسیر تقوا و تهذیب نفس به این درجه ای از قوت و قدرت رسیده اند که تشخیص می دهند وسوسه های شیطانی را و جلوگیری می کنند فرمود مولا ی ما در خانه ی دل نشستم هر چه غیر خدا بود را راهش ندادم این ها حسابشان جداست از ما خیلی فاصله دارند اونها مالک خواطر نفسشون هستند هر خاطره ای بدون اذن اونها وارد قلبشون نمی شود وارد جانشان نمی شود تمایلاتشان در اختیار خودشان است تسلط دارند بر اهواء نفسانی خودشان تشخیص می دهند و قدرت دفع هم دارند اونها حسابشان جداست بنده و امثال بنده خیر قلبمان شهر بی دروازه است همه چی وارد می شود چمن زار بی در و دیواره خوک میاد خرس میاد سگ میاد شغال میاد روباه میاد همه چی داخل این قلب وارد‌می شود این که خطورش در اختیار ما نیست میلش هم در اختیار ما نیست صحنه ای در ذهنم خطور می کند و من میل به اون پیدا می کنم اما در تصمیمش مختارام در مقام تصمیم گیری چرا اونجا اختیار دارم می توانم همون خطوری که به ذهنم آمده و همون میلی که به سمت او پیدا کرده ام اون را عملا ظاهر بسازم یا نسازم اینجا می توانم در ذهنم صورتی و جمالی خطور کرد میل به اون هم پیدا کردم حالا که تصمیم می گیرم که چشم باز کنم و نگاه کنم اینجا مختارم اینجا در اختیار خودم هست می توانم تصمیم بگیرم و چشم باز کنم و نگاه کنم و گناه کنم و می توانم نه تصمیم نگیرم و چشم بپوشم و نگاه نکنم این جا من در تصمیم خودم مختارم حالا اگر این تصمیم رو برای خدا گرفتم اون گناهی که در قلب من آمده بود می خواستم عملش هم انجام بدهم از خوف خدا ترسیدم و انجام ندادم این عبادت هم هست و عبادت هم می نویسند اما اگر نه خطور آمد میل آمد دنبالش تصمیم آمد ولی از ترس مردم انجام ندادم نه از ترس خدا دیدم مردم نگاه می کنند مثلا زنی را من دیده ام بخواهم نگاه کنم مردم می بینند به من بد گمان می شوند از ترس مردم نگاه نمی کنم این گناه را می نویسند این گناه است ولو نگاه نکرده ام اما چون تصمیم داشتم که نگاه کنم از ترس مردم نکردم این گناه است مینویسند این را این بُعد قلبیه گناه است «ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ»[[22]](#footnote-22)

گناه باطن و گناه ظاهر اگر باچشم نگاه کردیم این گناه ظاهر است اگر نگاه نکردم اما تصمیم داشتم که نگاه‌کنم اما از ترس مردم نگاه نکردم مانعی پیشامد و نتوانستم نگاه کنم این گناه را می نویسند این گناه باطنه یعنی قلب من گناه کار است چشمم گناه نکرده ولی قلبم گناه‌کاره اگر چناچه تصمیم گرفتم اما از ترس خدا نکردم یوسف وار علیه السلام گفتم «مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ»[[23]](#footnote-23)

اینجا نه تنها گناه نمی نویسند بلکه ثواب می نویسند چون برای خدا ترک کرده روایات در اینجا داریم که فرمود به نقل مرحوم کلینی رضوان الله علیه در کافی از امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام) «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ‏ لآِدَمَ‏ فِي‏ ذُرِّيَّتِهِ‏ مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ»[[24]](#footnote-24)

خداوند این لطفی درباره ی فرزند آدم کرده کسی که تصمیم بگیرد که کار خوب انجام بدهد کار خوب خطورش در ذهن آمد میل هم پیدا شد تصمیم گرفت و انجام داد اینجا ده ثواب برایش می نویسند

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» [[25]](#footnote-25)

اگر تصمیم به کار خوب گرفت موفق نشد اینجا یک حسنه برایش می نویسند تصمیم داشته موفق نشده می خواست نماز شب بخواند اما خوابش برده اگر بیدار بود می خوند ولی خوابش برده اینجا اورا در حساب نماز شب خوانده ها قرار می دهند ثواب نماز شب را مینویسند چون تصمیم داشته این حسنه حسنه ی قلبی است در عمل انجام نداده ولی قلبا انجام داده یعنی تصمیم بر ثواب داشته حسنه و انجام نداده یه حسنه

«مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ وَ عَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ بِهَا عَشْراً»[[26]](#footnote-26)

تصمیم به کار خوب داشت انجام هم داد ده ثوابه تصمیم داشت نتوانست انجام بده یک ثوابه «مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ وَ لَمْ يَعْمَلْهَا»[[27]](#footnote-27) اگر چه تصمیم به گناه گرفت و گناه انجام وداد یه گناه ‌می نویسند اگرم انجام نداد برای خدا اگر ترک کرد گناه ‌نیست بلکه «ان ترکها فیکتبوها له حسنه»[[28]](#footnote-28) ثواب بنویسید «انها تَرَکَها مِن اَجلی »

چون برای خاطر من این گناه را ترک کرده یک ثواب برایش بنویسید تصمیم بر گناه داشته ولی از ترس من نکرده نه تنها گناه ‌نمی نویسد برای این تصمیم قلبیش بلکه ثواب هم می نویسند پس توجه فرمودید که بعد قلبی گناه ولو اینکه به ظاهر هم نرسد گناه هست «ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ»[[29]](#footnote-29)

یک انسان با ایمان باید گناه را از تمام نواحی وجودی خودش دور کند در عمل انجام ندهد در قلب هم تصمیم به گناه نگیرد اگرم تصمیم بگیرد ولی در عمل انجام ندهد گناه براش می نویسند اگر حسنه بود انجام داد ده ثواب می نویسد اگر‌حسنه‌بود موفق نشد یک ثواب می نویسند اگر گناه را انجام داد یک گناه ‌می نویسند و اگر چنانچه انجام نداد برای خدا بود یه ثواب حسنه برایش می نویسند اگر برای خدا نبود موفق نشد

برای انجام گناه را انجام بده گناه را می نویسند این گناه باطن حالا شاهد بر مطلب شما بر این آیه ی توجه بفرمایید که «وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ»[[30]](#footnote-30)

ما فی انفس اونی که در جان در باطن داری اون را چه به ظاهر بیاوری چه نیاوری مورد محاسبه قرار می گیرید و «وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ»[[31]](#footnote-31) تبدو یعنی ظاهر کنید «أَوْ تُخْفُوهُ»[[32]](#footnote-32) یعنی در باطن نگه دارید ظاهرنکنید به هر حال مورد محاسبه اید «يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ»[[33]](#footnote-33) اونی که در دل دارید اگر تصمیم گناه بوده و نکرده اید ممکنه خداوند شما رو بیامرزد اگر از خوف او ترک کرده اید ممکنه شما رو عذاب بکند نه از خوف او ترک کرده اید موفق نشده اید قصد داشته اید انجام بدهید اما موفق نشده اید حالا یا مردم دیدن یا مانعی پیش امد به هر حال نکردید خدا او را حساب می کند «وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ»[[34]](#footnote-34) خود آیه تصریح به این دارد ما فی انفسکم اونی که در دل دارید به هر حال یا مورد عذاب است یا مورد مغفرته اگر از ترس خدا بوده مغفرت ترک کردید اگر‌ترکش بخاطر مردم بوده نه اینجا عذاب است باز هم آیه ی دیگه «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ»[[35]](#footnote-35)

اینجا صریحاًگناه رو به قلب نسبت می دهد آدمی که کتمان شهادت می کند اونی که لازم هست که شهادت بده در احیاء حق کسی و شهادت نمی ده این قلبش گناهکاره چون مکتوم نگه داشته کتمان امر قلبیه «وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ»[[36]](#footnote-36) قلب این ادم گناه کاره یا باز آیه ی دیگه «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»[[37]](#footnote-37)

مطلبی را که تحقیقا نمیدانی معتقد به اون نباش گفته اند فعلا آدم این کار را کرده این هم‌معتقد شد که آدم بدیه بی تحقیق همین قدر گفته اند بی تحقیق پیگیری کردن اعتقاد درباره ی کسی پیدا کردن وحالی که در واقع ممکن نباشه تحقیق نکرده این گناه است «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ»[[38]](#footnote-38) کلمه ی فواد یعنی قلب آیه ی شریف قلب را هم در ردیف سمع و بصر قرار داد همون گونه ای که چشم شما گناه می کند با نگاهش گوش شما گناه می کند با گوش دادن صداهای نامرضی خدا قلب شما هم گناه‌میکند ولو به عمل نیاد قلب گناه‌ می کند چون تصمیم گرفته که انجام بده منتهی نشده «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»[[39]](#footnote-39)

خب در این صریح است که کلمه ی فواد را در ردیف سمع و بصر قرار داده یعنی گناه است این گناه باطنه «ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ»[[40]](#footnote-40)

«وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ »[[41]](#footnote-41)

اون بعد باطنی اون بعد ظاهری هردو منهیٌ عنه است شما‌مسلمان های پیروی قرآن پاک باشید نه فقط چشمتون نه فقط گوشتون نه فقط دست و پا بلکه قلبتون روحتون پاک باشه بلکه پاکیه قلب مقدم تره چون قلب منشا مصدر است از اونجا صادر میشه نگاه آدم ‌و گفتار آدم اونم باید پاک باشه باز حدیثی دارم از پیغمبر اکرم (ص) که فرمود« إذا التَقَى المُسلِمانِ بسَيفِهِما»[[42]](#footnote-42)

اگر دو مسلمان شمشیر به روی هم کشیدند که با هم بجنگند یکی کشته شد «فالقاتِلُ و المَقتولُ في النارِ»[[43]](#footnote-43) هر دو‌جهنمی هستند بعد سوال کردند «قيلَ : يا رسولَ اللّهِ ، هذا القاتِلُ»[[44]](#footnote-44) بسیار خب قاتل کشته مظلوم کشته خوب این جهنمیه «فما بالُ المَقتولِ ؟»[[45]](#footnote-45) دیگه مقتول چرا کشته شده که مظلومانه فرمود «لأنَّه أرادَ قَتل صاحبه» چون او هم تصمیم داشت که بکشد نتوانست هر دو تصمیم داشتند که آدم بکشند او موفق شده زورش رسیده او زورش نرسیده ولی هر دو در مقام قلب گناه کار اند هردو جهنمی هستند «فالقاتِلُ و المَقتولُ في النارِ لأنَّه أرادَ قَتل صاحبه»[[46]](#footnote-46) چون قصدش این بوده و عالم آخرت به قصد مربوطه به نیات مربوطه عمل خالی از نیت منشا اثر‌نیست نه جهنمی می کند نه بهشتی اونی که که جهنمی و بهشتی می کند «رسولُ اللّهِ ص يُحشَرُ النّاسُ على نِيّاتِهِم»[[47]](#footnote-47)

فردا مردم بر اساس نییتشون مشحور میشود و سر اینکه کفار مخلدن در جهنم و مومنین مخلدن در بهشت همینه چون به ذهن آدم میاد فلان کافر بعد از صد سال توبه کرده همش گناه کرده همش کفر دیگه‌چرا مخلد در جهنم باشه تا خدا خدایی دارد این در جهنمه با اینکه نهایتا صدسال عمرش بوده دیگه. صد سال گناه صد سال کفر باید میلیاردها سال عذاب بکشد این چه‌تناسب داره خب مومن صد سال در دنیا زندگی کرده کار خوب کرده عبادت کرده چرا برای همیشه در بهشت باشه میلیاردها سال مثلا در بهشت برای صد سال عبادت اونها میلیاردها سال در جهنم برای صد سال کفر و فسق چرا؟ امام صادق جواب دادند برای اینکه نیتشون خلود داشته[[48]](#footnote-48)

چون کافر نیتش این بوده اگر برای همیشه هم در دنیا باشم‌کافر باشم چون نیتش خولود و همیشیگیه و انسان بر اساس نیتش کیفر یا پاداش دارد او براش بر این بوده که همیشه هم باشم کافر باشم پس همیشه هم در جهنمه مومنش نیتش این بوده همیشه هم باشم مطیع باشم چون نیتش خلوده پاداششم خلوده اون ثوابش خلوده اون کیفرش خلوده چرا چون نیت خلوده در این نیت دخیله «ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ»[[49]](#footnote-49)

وَ لِذا قرآن با کمال لطف و عنایت ای مسلمانان ای پیروان قرآن بکوشید خودتان را پاک نگه دارید نه تنها از گناهان بدنی از گناهان قلب هم خود را پاک کنید قسمتی از گناهان قلبی است اصلا و ماهیتا تحقق قلبی دارند در عمل در ظاهر پیدا نمی شه مثلا نفاق نفاق چیه امر بدنیه نه آدم منافق در ظاهر خیلی آدم خوبیه آدم منافق عملا آدم خوبیه نماز می خواند روزه می گیره مسجد میر ود در مجالس شرکت می کند چه بسا داغ تر از دیگران هم باشه خیلی داغ تر باشه خیلی بهتر ظاهرش آراسته تره بیماریش چیه؟ گناهش؟ قلبیه قلبش گناه کاره ولی عملش خیر عملش اهل نماز اهل روزه اهل حج اهل همه ی اینا هست از دیگران بهتر هم شعار می ده اما قلب منافقه و قران کریم حتی به پیغمبر اکرم فرمود که چنان اینها منافقند داغند اینها حتی نظر تو را هم جلب میکنند « إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ »[[50]](#footnote-50)

هنگامي كه منافقان نزد تو مي‏آيند مي‏گويند ما شهادت مي‏دهيم كه حتما تو رسول خدائي - خداوند مي‏داند كه تو قطعا رسول او هستي - ولي خداوند شهادت مي‏دهد كه منافقان دروغگو هستند.

اینا چنان فریبنده اند «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ»[[51]](#footnote-51)

وقتی که در مجلس تو شرکت می کنند چنان داغ اظهار محبت اظهار اخلاص می کنند اصلا قیافه ی اونها جذابه و تورا جلب می کند سخنانشان چنان داغ است و پر شور تو ام به حرفاشون گوش میدهی یعنی این مقدار پس نفاق امر قلبیه دیگه گناه قلبیه پس اینجور نیست که همه ی گناهان عملی بدنی باشه نه ریا امر قلبیه

«كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ»[[52]](#footnote-52)

انفاق می کند انفاق مال عملا خوب دیگه اما ریاکاره این در قلب کارش خرابه «وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ»[[53]](#footnote-53) مثل سنگی که روش خاکستری باشدو خاکی باشدو باران بیاد بشویدش انسان های ریا کار عملشون اینه ظاهرش خیلی زیباست اما وقتی که مرگ آمد همرو شسته و از بین برده هیچی براشون باقی نمانده «لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا»[[54]](#footnote-54) پس توجه فرمودید که «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ»[[55]](#footnote-55)

ای مسلمانان از کارهای زشت بپرهیزید نزدیکش نروید حتی تعبیر به نزدیک شده چون گناهایی که جذبه دارند وسوسه انگیزند خطرناکه در این جاها میگه لا تَقرَبوا نزدیکش نشوید حالا ممکنه بگه لا تَزنوا زنا نکنید فرموده «وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا»[[56]](#footnote-56)

نزدیک نشوید یعنی کارهایی که شما رو ممکن قدم به قدم گناه برساند تو اون راه ها نروید فیا للاسف چون زندگی ما یجوری شده که واقعا می تونیم بگیم‌که در یک جوّی زندگی می کنیم که قرب به گناه داریم هی قدم به قدم به گناه نزدیک می شویم در جو قرب به گناه ما زندگی می کنیم زندگی ما اینجوریه قرآن میگه بابا زن ها را با مردها مختلط نکنید فاصله بیافکنید میان زن و مرد نگفتند زن ها منزوی باشند و هیچ کار ازشان برنیاد نگفتند گفتند با مردها در تماس نباشید طوری که «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»[[57]](#footnote-57)

اگه خواستید با زنها حرفی بزنید یا چیزی بدهید و بگیرید از پشت پرده انجام بدهید از پشت پرده سخن بگویید از پشت پرده چیزی بدهید و بگیرید «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»[[58]](#footnote-58) نشان می ده که ناپاک می کنه قرآن بهتر بلد نیست از ما حرف را؟ می گه آلوده می کنه زن و مرد‌ اینقدر بهم نزدیک شدن زن باید گزارشگر باشد و خبرگزار باشد خبر نگار باشد و هی میکروفون جلوی آقا بگیرد سوال کنه جواب بده بابا این ناپاک می کنه دل هارو آلودگی می آورد «فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»[[59]](#footnote-59)

قرآن می گه بیمار دلانی که هستند که مرض پیدا بشه و به شما طمع کنند طمع در میانشان به وجود بیاد اون شاعر میگه که نظرتون «نَظرَةٌ فَابتِسامَةٌ فَسَلامٌ فَكَلامٌ فَمَوعِدٌ فَلِقاءُ»[[60]](#footnote-60)

خطر زن و مرد به هم نزدیک اینه اول یک ‌نگاه‌ می کند دنبال این نگاه یک تبسم می کند دنبال آن تبسمّی می کنند یه سلامی می کنند به هم دنبال سلام حرفی می زنند دنبال حرف وعده قرار می گذارند موعد قرار می ذارند و آخرش هم‌به پایان می رسد «نَظرَةٌ فَابتِسامَةٌ فَسَلامٌ فَكَلامٌ فَمَوعِدٌ فَلِقاءُ»[[61]](#footnote-61)

«النظر بَریدُ الزِّنا»[[62]](#footnote-62) نگاه کردن پیام آور زناست. قاصد میان این او، این مرد و زنه. از نگاه شروع میشه در زنا خاتمه پیدا می کنه کلمه نگاه با کلمه ی گناه چهار حرف مشترک هم دارن دیگه. در این چهار حرف با هم مشترکند هردونون دارد و گاف دارد و الف دارد و ه. از نگاه شروع می کند به گناه خاتمه پیدا می کند یک جوّ تقرب به گناه در زندگی ما اینجوره. الان تلویزیون ها در خانه ها شاید در زمان قدیم ۹۰ درصد مسلمان ها و علما تلویزیون در خانشون نبود الان ۹۰ درصد هست شاید بیشتر هم ۹۰ درصد تو همه ی خانه ها هست دیگه اگر همه برنامه ها مناسب بود با موازین شرعی بسیار خوب ما داریم البته برنامه های مذهبی اما در عین حال چه بسا همین برنامه های مذهبی راه باز کرده که به همه جا برسد تا روستاها هم بروند اونجا اگر‌ ما بنا شد یه برنامه های خیلی رکیک باشد و محرّک باشد و مهیّج باشه خب خیلی خطر دارد یعنی آثار برنامه های مذهبی را خنثی میکند ما‌ میگیم هست بایدم باشم ولی برنامه های مذهبی اگر همراه شد قرین شد با یه سری برنامه هایی که تحرک آوره هیجان می آورد آلودگی می آورد خنثی می کنه. خیلی مراقبت لازمه و لذا یکی از عوامل ر سوخ تهاجم فرهنگی غربی یکی از اینها همین وسیله است که تو خانه های مردم است از این راه خوب می شود فرهنگ‌غربی راه در افکار مردم رسوخ داد ما منظور این که فرهنگ اسلامی رسوخ پیدا کند ولی اونها می توانند از این راه فرهنگ غربی را خوب رسوخ بدهند چون اکثر مردم به شهوات تمایل دارند خیلی نیستند بله خب آدم های خوب با قرآن روایات تفسیر اینها رابطه دارند هستند اکثریت مردمی که ببینند یه آقای تفسیر میگه‌میگند آه ماهر وقت باز میکنیم یه آقایی یا قرآن میخواند و تفسیر میگوید ولی اون یکی برن باز کنند میگند خوب منظره های خوب زنی و مردی و و همه ی زنا مردان با هم یه جمله این میگه یه جمله این میگه چجوریه چند روز پیش در مورد امام زمان ارواحنا فداه اشعار عاشقانه میخواندند برای امام زمان یه طرف مرد بود یه طرف زن بود یه مصرع این میگفت یه مصرع اون میگفت مثلا راجع به زلف امام زمان و رخسار امام زمان نمیدانیم ایا اون زن و مرد هم او رخسار امام زمان را در نظر می گیرند راجع به زلف و رخسارو.. یا به خودشون توجه‌ پیدا میکنند چه جوریه آخه مراقبت لازمه هم موازین شرعی را رعایت کنیم قرآن اینقدر دقت دارد روش که وقتی سخن میگوید زن، خیلی دلربا سخن نگوید و طبعا زن دلنشین صحبت می کند در این شکی درش نیست دیگه دلربا سخن نگوید که طمع در قلب بیمار ایجاد کند « فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»[[63]](#footnote-63)

اینه که عرض شد زندگی ما جوری نباشد که جوّ ما جوّ تقرب به گناه باشد چون قرآن میگه لا تقربوا یعنی اون کارهایی که کم کم شما رو به حرکت می دهد ‌به گناه‌ می رساند اونها رو انجام ندهید نزدیکش نشوید یکی «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ» [[64]](#footnote-64)

چون مال هم‌همین جوره پول هم‌وسوسه انگیزه اون هم جذبه دارد اونجایی که جذبه دارد «وَلَا تَقْرَبُوا» تعبیر میشه«وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا»[[65]](#footnote-65)

« لاتقربوا مالَ الیتیم» [[66]](#footnote-66)هم پول چشمک می زنه به آدم هم‌زن آدمی را می لغزاند کاری‌نکنید که شما در مسیر قرار بگیرید در مسیر پول دوستی ربا خواری و مال یتیم خواری و هم کاری نکنید‌که در مسیر فحشا قرار بگیرید «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ »[[67]](#footnote-67)

به این گناهان زشت نزدیک نشوید «مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ»[[68]](#footnote-68) هم‌قلبتون آلوده می شود گناه کار میشود هم بدنتون هم اعضا و جوارح هم قلب و جوانح. شما گناهان جوانحی دارید وگناهان جوارحی دارید مولا متقین ع چشم درد مبتلا شدند خیلی هم شدید بود پیامبر اکرم به عیادت تشریف فرما شدن ناله ا ش بلند بود فرمود که یا علی این شدت درد است یا کم صبریه عرض کرد یا رسول الله در تمام مدت عمرم به چنین دردی مبتلا نشده بودم به این سختی و رسول اکرم یه جریانی از موقع قبض روح انسان بیان کرد اونها بزرگانند که‌می دانند که چی مسکن درده ما دنبال قرصی کپسولی می رویم اونها آیه ای حدیثی می خوانند که قلب را حرکت بدهند مطلب دیگر اینکه درد یادش برود و لذا رسول اکرم جریان قبض روح کافر را بیان کرد که فرمود وقتی جناب عزراییل بیاد برای قبض روح به کافر باسیخ های گداخته در آتش میاد قبض روحش می کند چنان ناله ای میکند که جهنم را به صیحه در می آورد تا امیر المونین شنید این جریان را ناله نکرد عرض کرد یا رسول الله اینی که فرمودین به قدری وحشت آور بود که درد چشم من فراموشم شد شما دوباره بفرمایین این جریان رو بعد عرض کرد اقا در میان امت شما هم هستند کسانی به این درد مبتلا شوند دم جون دادن این جور قبض روحشون کنند گفتند بله سه گروهند «حُكّاما جائرِينَ ، وآكِلَ مالِ اليَتيمِ ، وشاهِدَ الزُّورِ»[[69]](#footnote-69)

سه گروه اند که به این کیفیت قبض روح میشوند یکی زمام دار ستمگر و دیگر کسی که مال یتیم بخورد تصرف در مال یتیم کند بی پروا باشد در مال یتیم و دیگر کسی که شاهد‌دروغ باشه مطلب دروغ را شهادت بدهد «حُكّاما جائرِينَ ، وآكِلَ مالِ اليَتيمِ ، وشاهِدَ الزُّورِ»[[70]](#footnote-70) که قرآن صریحا فرمود راجع به اموال یتیمان دقت کنید «وَآتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا »[[71]](#footnote-71)

و اموال را (هنگامي كه به حد رشد رسيدند) به آنها بدهيد! و اموال بد (خود) را با اموال خوب (آنها) عوض نكنيد! و اموال آنها را با اموال خودتان (با مخلوط كردن يا تبديل نمودن) نخوريد، زيرا اين گناه بزرگي است.

امام صادق فرمود که در مقابل خوردن ‌مال یتیم خداوند دو تا عقوبت نشان داده عقوبت آخرت و دنیا در آخرت که آتشه «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»[[72]](#footnote-72)

در حقيقت كسانى كه اموال يتيمان را به ستم مى ‏خورند جز اين نيست كه آتشى در شكم خود فرو مى ‏برند و به زودى در آتشى فروزان درآيند.

و اما راجع به دنیا هم «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ»[[73]](#footnote-73)

کسانی که نگران اولاد خود بعد از خود هستند مراقب باشند به اولاد دیگران-یتیمان مردم- تعدی نکنند تعدی به یتیمان مردم موجب می شود که یتیمان شما هم مورد تعدی قرار بگیرند، هم عقوبت دنیا دارد هم عقوبت آخرت پس این ۴‌ عنوان گفته شد که « وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ »[[74]](#footnote-74) و «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ » [[75]](#footnote-75)

« وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ »آدم کش هم نباشید قتل نفس هم حرامه مگر اونجایی که حق باشه آدمِ آدم کش را بکشید «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»[[76]](#footnote-76)

آدم مرتدی که فطری است بکشید اونجا قتل، قتل حقه. قتل آدم کش حقه قتل مرتد حقه اگر بعضی گناهانی واقع شد مثل‌اینکه زنی همسر دارد یا مردی همسر دارد ‌زنا کند اونجا هم قتله اما در غیر موارد قتل نفس حرامه خود کشی هم‌حرامه کسی خود را بکشد قتل نفسه سقط جنین هم حرامه در بین مردم هم حالا هست سقط جنین میکنند کورتاژ میکنند این هم حرامه قتل نفسه. آدم کشتن خود‌کشتن سقط جنین کردن که آقایان فقها فتوا داده اند در حالی که نطفه است از بین ببرند نطفه را حرام است ودیه هم دارد ۲۰ مثقال طلا اگر در حال علقه بوده خون بسته شده بوده سقطش کرده اند ۴۰ مثقال طلا دیه دارد اگر چنانچه مُضغه بوده اگر سقطش کنند ۶۰‌مثقال دیه دارد و اگر عظام بوده استخوان بندیش شده است سقطش کنند ۸۰ مثقال طلا دیه دارد اگر تمام بدن بچه درست شده در رحم مادر ولی هنوز روح درش ندمیده سقطش کند ۱۰۰ مثقال طلا دیه دارد گذشته از اینکه گناه شده و اگر روح درش دمیده شده بوده‌سقطش کرده اند اگه پسر بوده ۱۰۰۰ مثقال اگه دختر بوده ۵۰۰ مثقال طلا دیه دارد گذشته از اینکه گناه مرتکب شده کار حرام بوده

«وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»[[77]](#footnote-77) خودتان را نکشید

« وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ »[[78]](#footnote-78)

بله مگر از روی حق بوده باشد این جمله آخر دارد که این دستوراتی که به شما می دهیم توصیه و سفارش خداست. فرمانده را که خداست بشناسید فرمانش را هم بدانید در مقام عمل هم عمل کنید تا به فوز سعادت هم برسید «ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»[[79]](#footnote-79)

حالا خداوند هی چند مدتی موجب سعادت پیش می آورد ما را تطهیر کند ماه مبارک رمضان در پیشه ماه تمحیصه شهر تمحیصه شهر پاک کردن شهر طهوره شست و شو دادن اگر ما بتوانیم حالا خدا ما را زنده نگه داشته خب نمرده ایم عده ای مرده اند زیر خاکند دست شان نمیرسه حالا دیگه آرزو دارند زنده بشوند بیایند در مجالسی و مساجدی و سخن خدا بشنوند و عمل کنند بیمارستان ها گرفتارند نمی توانند حرکت کنند قادر بر حرکت نیستند ما این دو نعمت فعلا درخودمان هست هم زنده ایم هم سالمیم موفق هم شده ایم دور هم بنشینیم و ماه رمضان هم بیاد و ما بتوانیم زیر پرچم این ماه با خدای خود ارتباط حسنه پیدا کنیم و گناهان خودمان را بخواهیم که خداوند واقعا از ته دل بخواهیم که ما را بشوید شست و شو بدهد و تا نمرده ایم تطهیرمان کند از این دنیا برویم دیگه و لذا رسول اکرم در جمعه آخر ماه شعبان که امروز هم روز جمعه آخر ماه شعبانه اون جملات تکان دهنده را فرمود «أيُّها الناسُ ، إنّهُ قد أقبَلَ إلَيكُم شَهرُ اللّهِ بالبَرَكَةِ و الرّحمَةِ و المَغفِرةِ»[[80]](#footnote-80)

مردم ماه خدا آمد رحمت آورده مغفرت آورده برکت آورده ، «شَهرٌ هُو عِندَ اللّهِ أفضَلُ الشُّهورِ»[[81]](#footnote-81) بهترین ماه ها سراغ شما آمده شب ها بهترین شب ها روز ها بهترین روزها ساعت ها بهترین ساعت ها شما در این ماه مهمان خدا هستید « شَهرٌ دُعِيتُمْ فيهِ إلى ضِيافَةِ اللّهِ»[[82]](#footnote-82) خیلی لطف کرده خیلی عنایت کرده بندگان گناه کار و آلوده را دعوت کرده که بیایید من سفره باز کردم دعوت کرده است رسول اکرم را بهترین مخلوقاتم فرستادم که شما را دعوت کند قرآن نامه دعوت منه شما را دعوت کردم «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ »[[83]](#footnote-83) بر شما روزه مقرر شده

بیایید کنار سفره من «دُعِيتُمْ فيهِ إلى ضِيافَةِ اللّهِ و جُعِلتُم فيهِ مِن أهلِ كَرامَةِ اللّهِ»[[84]](#footnote-84) خیلی شما را پذیرایی خوب می کنیم احترام می کنیم اون جا اون اندازه که نفس شما را عبادت حساب میکنیم «أنفاسُكُم فيهِ تَسبيحٌ ، و نَومُكُم فيهِ عِبادَةٌ»[[85]](#footnote-85) خوابتون رو عبادت حساب میکنیم ماهی که خوابش عبادته ببینید بیداریش چقدر عبادته ذکرش چقدر عبادته قرآنش چقدر عبادته «نَومُكُم فيهِ عِبادَةٌ ، و عَمَلُكُم فيهِ مَقبولٌ»[[86]](#footnote-86) اعمالتون را قبول میکنیم «وَ دُعَاؤُکُمْ فِیهِ مُسْتَجَابٌ فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّکُمْ»[[87]](#footnote-87) حالا بیایید از خدای خودتون بخواهید «بِنِیَّاتٍ صَادِقَةٍ وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ»[[88]](#footnote-88) با نیتی راست با قلبی پاک بخواهید از خدایتان «أَنْ یُوَفِّقَکُمْ لِصِیَامِهِ وَ تِلَاوَةِ کِتَابِهِ»[[89]](#footnote-89) که شما را به روزه داری موفق کند به تلاوت قرآن توفیق بدهد «فَإِنَّ الشَّقِیَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِی هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِیمِ» [[90]](#footnote-90)

این ماه حیف است که از دست آدم برود و مشمول رحمت خدا قرار نگیرد.

1. - سوره انعام آیه ی 151. [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان. [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان. [↑](#footnote-ref-3)
4. - همان. [↑](#footnote-ref-4)
5. - همان. [↑](#footnote-ref-5)
6. - همان. [↑](#footnote-ref-6)
7. - همان. [↑](#footnote-ref-7)
8. - سوره اعراف آیه ی 28. [↑](#footnote-ref-8)
9. - همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. - سوره تکویر آیات 8 و 9. [↑](#footnote-ref-10)
11. - همان. [↑](#footnote-ref-11)
12. - الكافي جلد 6 صفحه 5. [↑](#footnote-ref-12)
13. - میزان الحکمه جلد 13 صفحه 486. [↑](#footnote-ref-13)
14. - همان. [↑](#footnote-ref-14)
15. - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال , جلد۱ , صفحه۲۰۱. [↑](#footnote-ref-15)
16. - همان. [↑](#footnote-ref-16)
17. - سوره انعام آیه ی 151. [↑](#footnote-ref-17)
18. - همان. [↑](#footnote-ref-18)
19. - همان. [↑](#footnote-ref-19)
20. - سوره انعام آیه ی 120. [↑](#footnote-ref-20)
21. - سوره اعراف آیه ی 201. [↑](#footnote-ref-21)
22. - سوره انعام آیه ی 120. [↑](#footnote-ref-22)
23. - سوره یوسف آیه ی 23. [↑](#footnote-ref-23)
24. - الكافي (ط - الإسلامية)، جلد‏2، صفحه 428. [↑](#footnote-ref-24)
25. - سوره انعام، آیه­ی 160. [↑](#footnote-ref-25)
26. - الكافي (ط - الإسلامية)، جلد‏2، صفحه 428. [↑](#footnote-ref-26)
27. - همان. [↑](#footnote-ref-27)
28. - منبع این حدیث پیدا نشد. [↑](#footnote-ref-28)
29. - سوره انعام آیه ی 120. [↑](#footnote-ref-29)
30. - سوره بقره آیه ی 284. [↑](#footnote-ref-30)
31. - همان. [↑](#footnote-ref-31)
32. - همان. [↑](#footnote-ref-32)
33. - همان. [↑](#footnote-ref-33)
34. - همان. [↑](#footnote-ref-34)
35. - سوره بقره آیه ی 283. [↑](#footnote-ref-35)
36. - همان. [↑](#footnote-ref-36)
37. - سوره اسراء آیه ی 36. [↑](#footnote-ref-37)
38. - همان. [↑](#footnote-ref-38)
39. - همان. [↑](#footnote-ref-39)
40. - سوره انعام آیه ی 120. [↑](#footnote-ref-40)
41. - سوره انعام آیه ی 151. [↑](#footnote-ref-41)
42. - میزان الحکمه جلد 9 صفحه 297. [↑](#footnote-ref-42)
43. - همان. [↑](#footnote-ref-43)
44. - همان. [↑](#footnote-ref-44)
45. - همان. [↑](#footnote-ref-45)
46. - همان. [↑](#footnote-ref-46)
47. - میزان الحکمه جلد 12 صفحه 504. [↑](#footnote-ref-47)
48. - الكافي جلد 2 صفحه 85. [↑](#footnote-ref-48)
49. - سوره انعام آیه ی 120. [↑](#footnote-ref-49)
50. - سوره منافقون آیه ی 1. [↑](#footnote-ref-50)
51. - سوره منافقون آیه ی 4. [↑](#footnote-ref-51)
52. - سوره بقره آیه ی 264. [↑](#footnote-ref-52)
53. - همان. [↑](#footnote-ref-53)
54. - همان. [↑](#footnote-ref-54)
55. - سوره انعام آیه ی 151. [↑](#footnote-ref-55)
56. - سوره اسراء آیه ی 32. [↑](#footnote-ref-56)
57. - سوره احزاب آیه ی 53. [↑](#footnote-ref-57)
58. - همان. [↑](#footnote-ref-58)
59. - سوره احزاب آیه ی 32. [↑](#footnote-ref-59)
60. - شعر از احمد شوقی. [↑](#footnote-ref-60)
61. - همان. [↑](#footnote-ref-61)
62. - در منابع یافت نشد . گمان قوی این است که حدیث نباشد معنی و مفهوم حدیثی باشد. [↑](#footnote-ref-62)
63. - سوره احزاب آیه ی 32. [↑](#footnote-ref-63)
64. - سوره انعام آیه ی 152. [↑](#footnote-ref-64)
65. - سوره اسراء آیه ی 32. [↑](#footnote-ref-65)
66. - سوره انعام آیه ی 152. [↑](#footnote-ref-66)
67. - سوره انعام آیه ی 151. [↑](#footnote-ref-67)
68. - همان. [↑](#footnote-ref-68)
69. - بحارالأنوار جلد 38 صفحه 311. [↑](#footnote-ref-69)
70. - همان. [↑](#footnote-ref-70)
71. - سوره نساء آیه ی 2. [↑](#footnote-ref-71)
72. - سوره نساء آیه ی 10. [↑](#footnote-ref-72)
73. - سوره نساء آیه ی 9. [↑](#footnote-ref-73)
74. - سوره انعام آیه ی 151. [↑](#footnote-ref-74)
75. - سوره انعام آیه ی 152. [↑](#footnote-ref-75)
76. - سوره بقره آیه ی 179. [↑](#footnote-ref-76)
77. - سوره نساء آیه ی 29. [↑](#footnote-ref-77)
78. - سوره انعام آیه ی 151. [↑](#footnote-ref-78)
79. - همان. [↑](#footnote-ref-79)
80. - فضائل الأشهر الثلاثة صفحه 77. [↑](#footnote-ref-80)
81. - همان. [↑](#footnote-ref-81)
82. - همان. [↑](#footnote-ref-82)
83. - سوره بقره آیه ی 183. [↑](#footnote-ref-83)
84. - فضائل الأشهر الثلاثة صفحه 77. [↑](#footnote-ref-84)
85. - همان. [↑](#footnote-ref-85)
86. - همان. [↑](#footnote-ref-86)
87. - همان. [↑](#footnote-ref-87)
88. - همان. [↑](#footnote-ref-88)
89. - همان. [↑](#footnote-ref-89)
90. - همان. [↑](#footnote-ref-90)